

نقش هنر در تعلیم و تربیت

www.ketab.ir

مؤلفان

زهرا اسحاقیان ریزی

بهرام افشاری

زهرا توانگر ریزی



انتشارات آزادی قدم

سرشناسه	اسحاقیان، زهرا، ۱۳۶۳ -
عنوان و نام پدیدآور	نقش هنر در تعلیم و تربیت / مولف زهرا اسحاقیان ریزی، بهرام افشاری، زهرا توانگر ریزی؛ ویراستار امین شریفی.
مشخصات نشر	تهران: آزادی قلم، ۱۴۰۰.
مشخصات ظاهری	۱۳۲ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
شابک	۵۵۰۰۰۰ ریال ۷-۳۹-۷۹۴۷-۶۲۲-۹۷۸:
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	هنر در آموزش و پرورش Art in education
شناسه افزوده	افشاری، بهرام، ۱۳۵۲ -
شناسه افزوده	توانگر ریزی، زهرا، ۱۳۵۹ -
رده بندی کنگره	۳۵۰ N
رده بندی دیویی	۵/۳۷۲۰
شماره کتابشناسی ملی	۸۴۴۲۸۸۱



انتشارات آزادی قلم

۱. انتشارات آزادی قلم از هر گونه نقد نسبت به محتوای کتاب استعفاء می کند.
۲. کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ و متعلق به ناشر می باشد.
۳. نقل هر گونه مطلب با ذکر منبع بلامانع می باشد.

عنوان کتاب:	نقش هنر در تعلیم و تربیت
مؤلف:	زهرا اسحاقیان ریزی، بهرام افشاری، زهرا توانگر ریزی
ناشر:	انتشارات آزادی قلم
ویراستار:	امین شریفی
نوبت چاپ:	چاپ اول - زمستان ۱۴۰۰
شمارگان:	۱۰۰۰ نسخه
شابک:	۹۷۸-۶۲۲-۷۹۴۷-۳۹-۷
قیمت:	۵۵۰۰۰ تومان

آدرس اینترنتی: www.azadigalam.ir سایت فروشگاه: www.azadigalambook.ir

تلفن مرکز پخش: ۰۹۹۰۱۳۰۸۷۹۰

تلگرام: @azadigalam-pub

اینستاگرام: @azadigalam

فهرست مطالب

مقدمه	۹
فصل اول: بررسی مبانی فلسفه هنر	۱۵
۱. فلسفه هنر	۱۵
۲. ماهیت هنر	۱۷
۳. تعریف هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی	۲۰
الف: فعل زیبا آفرینی انسان	۲۱
ب: فلسفه هنر نزد فیلسوفان اسلامی	۲۱
پ: واژه فن و صنعت به جای هنر	۲۲
ت: تعریف زیبایی در نزد فیلسوفان اسلامی	۲۲
ث: منشأ زیبایی از نظر فیلسوفان اسلامی	۲۴
ج: رابطه لذت و زیبایی از دیدگاه فیلسوفان اسلامی	۲۵
چ: نقش محاکات در هنر از دیدگاه فیلسوفان اسلامی	۲۶
ح: تعریف محاکات از دید فیلسوفان اسلامی	۲۷
۴. اقسام محاکات	۲۸
۵. محاکات در شعر	۲۹
الف: محاکات در سایر هنرها	۳۰
۶. نقش خیال در هنر از دیدگاه حکیمان اسلامی	۳۲
۷. اهمیت هنر از دیدگاه اسلام	۳۴
۸. نقش هنر در فرهنگ سازی	۳۷
۹. تقرب الهی با اتکاء به هنر	۳۸
۱۰. تأثیر آموزش هنر بر خلاقیت	۴۱
فصل دوم: هنر و فعالیت های تعلیم و تربیت	۴۳
۱. نقش هنر در رشد اجتماعی	۴۳

۴۷	۲. اهمیت هنر در فعالیت‌های تربیتی
۴۸	۳. هنر ابزاری برای ارتقاء فرهنگ جامعه
۵۱	۴. نقش هنر در آموزش و یادگیری
۵۱	الف: نقش و اهمیت هنر در زندگی
۵۱	ب: اهداف هنر در مدارس ابتدایی
۵۲	پ: مشکلات و راهکارهای درس هنر در مقطع ابتدایی
۵۷	ت: موفقیت نظام آموزشی در تعلیم و تربیت
۵۸	۵. هنر و تعلیم و تربیت
۶۰	الف: هنر نقاشی و خوشنویسی در فعالیت‌های تربیتی
۶۱	ب: فواید درس هنر
۶۲	۶. هنر قصه گوئی و تأثیرات تربیتی آن
۶۲	۷. هنر موسیقی و شعور در فعالیت‌های امور تربیتی
۶۳	الف: کاربرد موسیقی در عرصه‌های گوناگون اجتماعی
۶۵	ب: نقش موسیقی در رشد جامعه شناختی کودکان
۶۶	پ: کاربرد عناصر فرهنگی، قومی و محیطی در آموزش موسیقی
۶۷	۸. رنگ‌ها و نقش آن‌ها در تعلیم و تربیت
۷۲	۹. درک هنری لازمه توسعه امور تربیتی در مدارس
۷۷	فصل سوم: تأثیر هنر بر تعلیم و تربیت
۷۷	۱. غایت ماورایی هنر
۸۳	۲. نقش هنر در امور تربیتی
۸۴	۳. نقش تربیتی هنر
۸۴	الف: ایجاد آرامش
۸۵	ب: توانایی پالایش و شگفتی و هیجان
۸۵	پ: داشتن نقش اصلاحی غیرمستقیم
۸۶	۴. اهداف هنر در مدارس

الف: کتب درسی مدارس	۹۴
ب: معلم و مسئولان آموزشی	۹۵
پ: تجهیزات	۹۶
۵. نقش هنر در پیشبرد فعالیت‌های پرورشی مدارس	۹۷
۶. مفهوم و معنای هنر از دیدگاه تربیتی	۹۸
۷: مفهوم زیبایی و احساس در هنر	۹۹
۸. ایجاد تحول به واسطه هنر در تعلیم و تربیت	۹۹
۹. اهمیت هنر در تربیت و لزوم واسطه برای تعلیم و تربیت	۱۰۰
۱۰. نقش و اهمیت هنر در زندگی	۱۰۱
۱۱. نقش هنر در تربیت کودکان	۱۰۱
۱۲. ارزش هنر در غنی‌سازی و خلق فراغت	۱۰۲
۱۳. تفاوت تربیت هنری و دانش هنری	۱۰۳
۱۴. نقش مربیان پرورشی در فعالیت‌های هنری	۱۰۵
فصل چهارم: هنر تعلیم و تربیت در اندیشه‌ها	۱۰۷
۱. فارابی	۱۱۰
الف: اهداف و اصول تعلیم و تربیت	۱۱۳
۱. اهداف	۱۱۴
۲. اصول	۱۱۴
۲. دورکیم	۱۱۸
الف: انواع همبستگی (مکانیکی و ارگانیکی)	۱۲۰
۳. مقایسه آراء فارابی و دورکیم	۱۲۳
منابع	۱۲۹

مقدمه

واژه استتیک را زیباشناسی معنا کرده‌اند و بحث زیباشناسی همواره توسط دو گروه پیگیری می‌شود الف: فلاسفه، که در خصوص شناخت هنر و آرایه تفسیری از آن به صورت عام و کلی به مباحث نظری و آرایه‌ی تئوری و سبک‌شناسی در مورد آن می‌پردازند ب: هنرمندان و منتقدان، که همیشه سعی می‌کنند به هنر به صورت موردی و در مصادیق خاص و منحصر به فرد بپردازند موضوع اصلی علم زیباشناسی، دادن پاسخ به این سؤال است که «هنر چیست؟» عده‌ای می‌گویند: هنر زیبایی است و از ویژگی‌های عامی که همه برای هنر نام می‌برند، «ویژگی زیبایی آن است» یا «هر چیز که ساخته‌ی آدمی و زیبا باشد سؤال دیگری که مطرح می‌شود، این است که زیبایی چیست؟ زیبایی هر چیزی است که آدم را به خود جذب می‌کند و انسان خواهان تکرار دیدن یا شنیدن آن است. زشتی در مقابل زیبایی. زشت هر چیزی است که دیدن دوباره آن دوری می‌کنیم و کراهت داریم اشکال این تعریف از هنر این است که تمام ماهیت و چیستی هنر را به واکنش مخاطب واگذار می‌کند. واکنش مخاطب موضوع مهمی است، اما تنها عامل ارزش گذاری یک اثر هنری نیست.

گروهی دیگر معتقدند که هنر هر آن چیزی است که وسیله پالایش، والایی و اعتلای روح آدمی بشود؛ یعنی هنر را صرفاً هنر اخلاق گرا می‌دانند و هنر خود را هنری می‌دانند که به اثرگذاری‌های مثبت اجتماعی، اخلاقی، آموزشی، تربیتی و... منجر شود. طرفداران این نظریه از شعار «هنر برای اجتماع» جانبداری می‌کنند. اشکال این تعریف نیز این است که اخلاقیات و مسایل اجتماعی در همه هنرها به یک اندازه

کاربرد ندارد که بتوان از آن به عنوان یک معیار جامع برای سنجش آثار هنری استفاده کرد. مثلاً در شعر یا رمان یا سینما، میزان اخلاق گرایی با هنری مثل خط یا معرق بسیار متفاوت است. تعریف دیگری از هنر وجود دارد که می‌گوید: هنر نسخه برداری از اصل طبیعت است و هر چه در طبیعت وجود دارد، می‌تواند در هنر هم مصداق داشته و ارزشمند باشد. مثلاً هوی و هوس، هوای نفس، میل به جنایت و خونریزی و دیگر صفات زشت و ناپسند چون وجود دارند، می‌توانند آزادانه به تصویر کشیده شوند و عیناً مثل یک هنر مقدس قابل احترام و تحسین باشند، چون آینه‌ی تمام نمای حقیقت و واقعیت‌ها هستند. تعریف چهارم می‌گوید: هنر بیان احساس و عاطفه‌ی آدمی و برداشت او از زندگی و جهان هستی است. اشکال کلیه این تعاریف این است که یک وجه یا صفت از هنر را در نظر می‌گیرند و از باقی مسایل چشم پوشی می‌کنند. هنر در واقع ترکیبی از تمام این معانی است و تعریفی عام را نمی‌توان داد. پس از موضوع تعریف هنر، بحث دیگری که مطرح می‌شود، تاریخ فلسفه‌ی هنر است. این بحث از یونان باستان و افلاطون آغاز و با آرا و عقاید ارسطو ادامه می‌یابد. بسیاری از اصول امروزی هنرهای مختلف و قاعده و قانونمندی‌ها در این باره از کتاب بوطیقای ارسطو گرفته شده است مردم در اوقات فراغت کتاب می‌خوانند، داستان و رمان می‌خوانند، فیلم می‌بینند، سینما می‌روند، به سفر و دیدن مناظر طبیعی می‌روند و یا به موزه‌ها و آثار هنری، تئاتر یا موسیقی روی می‌آورند. واقعاً چرا مردم این کارها را انجام می‌دهند؟ چون از انجام دادن این کارها لذت می‌برند و برای این کار حاضرند وقت و سرمایه‌ی خود را هزینه کنند و علاوه بر دیدن و احساس عاطفه شخصی، مایلند راجع به آن حرف بزنند و نظر خود را به صاحب

اثر یا دیگران بگویند. در آثار هنری معمولاً هنرمندان در ترسیم چهره و رفتار این فرد تغییرات زیادی می‌دهند، به نحوی که مردم فریب می‌خورند و رد شخصیت واقعی را گم کرده و وجود و حضور این شخص را باور می‌کنند و این نیست مگر با تمرین و ممارست بسیار و پرداختن بسیار به جزئیات و خاص کردن شخصیت، به نحوی که نتوان برای او مشابهی پیدا کرد، اگر چه نماینده‌ی تیپ خاصی از افراد اجتماع باشد.

لذت مطالعه یک اثر هنری، لذتی است که از کشف و شهود به خواننده دست می‌دهد. نویسنده یک نقال و روایت گر صرف نیست که مخاطب را به جادویی گلام افسون کند و راه را بر تخیل و تعقل او ببندد و تمام عقاید و نظریات و فلسفه خاص خود را به ذهن مخاطب تحمیل کند و مستقیماً به او خط بدهد و بایدها و نبایدها را به او تاکید کند و او را در منگنه بسته‌ای تحت فشار عقاید و آرای خود و شست و شوی مغزی قرار دهد. تنها در صورت برانگیختن حس کنجکاوی و برانگیختن توجه و احساس هم ذات پنداری با شخصیت هاست که یک اثر را تا آخر ادامه داده و از خواندن آن لذت می‌بریم و کار را به دیگران نیز معرفی می‌کنیم. اگر زندگی شخصیت‌ها و الگوبرداری هنرمند از زندگی انسان‌های واقعی، باورپذیر، منطقی و جذاب نباشد، به نظرمان داستان ضعیف و ناقص خواهد بود. همین طور اگر بتوانیم از اول داستان، منظور نویسنده را بخوانیم و بتوانیم آخر و عاقبت کار شخصیت‌ها و ماجرای داستان را حدس بزنیم. در زندگی حقیقی، آدم‌های خسیس، حسود، دروغگو، متقلب و ریاکار وجود دارند. دختران زیبایی که قربانی فقر خانواده می‌شوند، زن‌های جوانی که برای بهبود زندگی و امرار معاش بهتر خانواده، خود را به آب و آتش می‌زنند و کودکان یتیمی که می‌کوشند از

آینده برای خود یک قصه امیدوارکننده بسازند. همه ما این نوع داستان‌ها را به چشم خود دیده و با قهرمان‌های اصلی آن حرف‌زده و حتی‌گاه موضوع را برای یک همکار یا دوست نیز تعریف کرده‌ایم، اما دو روز بعد دیگر هیچ خاطره‌ای از آن نداشته‌ایم.

تفاوت یک هنرمند با یک انسان عادی شاید در همین جا باشد. هنرمند از حادثه الگو می‌گیرد، آن را با عواطف بسیار رقیق و احساسات و مکنونات قلبی خود پرورش می‌دهد و داستانی از آن می‌سازد که وقتی آن را می‌خوانیم از درک و دریافت احساس و تجربه یک زندگی تازه و آشنایی با شخصیتی منحصر به فرد لذت می‌بریم و به یاد نمی‌آوریم که ما هم با آن فرد برخورد کوچکی داشتیم. در اینجا است که هنر انواع و اقسام گوناگونی پیدا می‌کند. اگر دوست نویسنده ما یک هنرمند راستین، اخلاق‌گرا و آرمان‌طلب باشد، داستان را به نحوی خاص خواهد نوشت که دل هر انسان صاحب دردی در سینه بگردد و تا آخر عمر هر وقت با چنین شخصی مواجه شد، به وظیفه و تکلیف انسانی و شرعی خود عمل کند. اما یک نویسنده‌ی بازاری و نویسنده کارهای عامه‌پسند، تجاری و سرگرم‌کننده فقط در حدی به داستان خواهد پرداخت که به نیاز اولیه او در مورد دانستن پاسخ دهد و برایش سرگرمی ایجاد کند. این نوع کتاب‌ها شاید حتی ارزش یک بار خواندن را نیز نداشته باشند و به زحمت بتوان آن‌ها را تحمل کرد.

هنرها عواطف را برمی‌انگیزند و در بسیاری موارد ما خود را به جای قهرمان ماجرا احساس کرده با او هم دردی یا هم ذات‌پنداری می‌کنیم و در ساعاتی از کتاب به جایش زندگی می‌کنیم. درد و رنج او ما را محزون می‌کند و نمی‌توانیم از چکیدن اشک‌ها خودداری کنیم. عواطف و حالات

روحی ما معمولاً در رفتارهای خاصی نمود پیدا می‌کنند. مثلاً یک آدم افسرده با قدم‌های نامنظم و شانه‌های آویخته و بی‌حال، بی‌هدف قدم می‌زند، یا یک آدم سوگوار غم و رنج خود را با گریستن، خود آزاری و شور و سر و صدا نشان می‌دهد.

احساسات و عواطف و کلمات مربوط به آن‌ها اغلب جا به جا می‌شوند و به اشتباه به کار برده می‌شوند. دوست داشتن، محبت، مهربانی، نرم خویی، عشق و وفاداری اغلب دچار این مساله می‌شوند. ابراز علاقه یا احترام، به عشق تعبیر می‌شود و یا یک نویسنده باید درباره این موضوعات و حالت‌ها مطالعه کند. او باید رفتار این حالت‌ها را در آدم‌های معمولی بشناسد و بتواند آن‌ها را در مورد آدم‌هایی خاص حدس بزند. حرکات بدنی، لحن صدا، حالت چهره، دست، نوع کلمات و گفت و گویی که به کار می‌رود، توصیف صحنه، مکان، زمان و شناخت جزئیات از مهم‌ترین مطالب و موضوعات مورد نیاز در نویسندگی است.

توجه به فرم و تکنیک و قالب استاندارد کار در داستان نویسی از طریق توجه به طرح و قصه‌ی اصلی داستان و طرح‌ها و شخصیت‌های فرعی ممکن است. ابتدا باید قالب‌ها و انواع فرم‌ها و تکنیک‌ها را شناخت و نیز با مضمون و درون مایه مناسب برای هر نوع داستان آشنا شد و سپس با تمرین و ممارست به الگوی دل خواه رسید. توجه بیش از اندازه به هر یک از ابزار و عناصر داستانی، شکل داستان را از حالت نرمال و طبیعی آن خارج کرده به آن شکلی غیرطبیعی و مصنوعی خواهد داد. رشد به اندازه اعضا، ترکیب و وحدت کلی و جزیی بین آن‌ها، هم سویی در جهت رسیدن به هدف از بیان قصه و غرق شدن در عواطف و احساسات جاری بر آن، اصلی‌ترین کار یک نویسنده جوان را نشان خواهد داد. پس به طور

خلاصه می‌توانیم بگوییم که در تعریف هنر و معیارگذاری برای سنجش آثار هنری وادبی، هنر را با دو معیار می‌سنجند:

• هنر برای اجتماع: در خدمت دین، اخلاق، تربیت و مسایل آموزشی به جامعه.

• هنر برای هنر: هنر در خدمت استعدادها و خلاقیت و شکوفایی هنری و فرمالیزم و صورت‌گرایی در هنر، توجه به ساختار و ظاهر اثر و تکنیکی بودن آن بدون بحث محتوایی.

آیا هنر می‌بایست در خدمت تعلیم و تربیت و در قالب آثار محتوایی و اخلاق باشد، یا در قالب لذت‌بخشی و سرگرم‌کنندگی و بردن بشر به دنیای آرزوها و جواب و خیالات و توهّمات واهی؟ اگر هدف هنر برای هنر و لذت‌طلبی در هنر باشد، پس هنرمند مجاز است از هر نوع ابزار و وسیله و امکاناتی برای سرگرم‌کنندگی و افزودن بر جذابیت اثر خود بهره بگیرد و پروای هیچ چیز را نیز نداشته باشد و اگر هدف هنر در خدمت اجتماع است و برای اصلاح و تعلیم و تربیت و بازبینی مجدد قواعد و قوانین جامعه، با ذره بین عقل‌گرایی و اخلاق و مذهب که در این صورت به قوانین بسیار زیادی نیاز است. به نظر شما هنری مثل ادبیات داستانی با گستره‌ی وسیعی که به عنوان مبنا و زیربنای نمایش، فیلم و سریال، رمان و... دارد در کدام یک از دو گروه جای می‌گیرد. آیا باید نویسنده‌ی داستان آدم‌ها، متعهد و هدفمند باشد، یا قلم به دست استعداد و قریحه بدهد و او را در نگارش آزاد بگذارد تا به هر سویی که می‌خواهد بتازد.